

## پیش‌بینی ترس از غذاهای جدید از طریق ابعاد شخصیت و شیوه‌های والدگری

فرزین باقری شیخانگفته<sup>۱</sup>، رضا شابهنگ<sup>۲\*</sup>، عباس ابوالقاسمی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۳. استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۲

## چکیده

**زمینه و هدف:** ترس از غذاهای جدید به عنوان اجتناب و بی‌زاری از غذاهای جدید تعریف می‌شود که می‌تواند پیامدهای مضر برای کودکان و نوجوانان در پی داشته باشد. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ترس از غذاهای جدید از طریق بررسی ابعاد شخصیتی و شیوه‌های والدگری است.

**روش:** طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوره اول ناحیه ۲ شهر رشت در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ بود که از آن نمونه‌ای به تعداد ۴۰۰ دانش‌آموز پسر و دختر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌های ترس از غذاهای جدید (پلینر و هابدن، ۱۹۹۲)، پنج عامل بزرگ شخصیت کودکان (باربارنالی و همکاران، ۲۰۰۳) و شیوه‌های والدگری (بامریند، ۱۹۷۳) به دانش‌آموزان داده شد. در پایان داده‌ها با روش رگرسیون چندگانه به صورت گام‌به‌گام بررسی شدند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد، ابعاد شخصیتی انرژی-برون‌گردی ( $p < 0/05$ )، هوش-گشودگی، توافق‌پذیری و بی‌ثباتی هیجانی ( $p < 0/01$ ) توانستند ترس از غذاهای جدید را پیش‌بینی کنند. همچنین نتایج نشان داد که ترس از غذاهای جدید از طریق شیوه‌های والدگری مقتدرانه، سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه قابل پیش‌بینی است ( $p < 0/01$ ).

**نتیجه‌گیری:** در مجموع، نتایج به‌دست‌آمده ارتباط و امکان پیش‌بینی ترس از غذاهای جدید را از طریق بررسی ابعاد شخصیتی و شیوه‌های والدگری نشان می‌دهند. بر طبق یافته‌های حاصل از این پژوهش، می‌توان یا بهبود بعد شخصیتی برون‌گردی و ایجاد شیوه والدگری مقتدرانه، میزان ترس از غذاهای جدید که با بسیاری از اختلالات جسمانی و روان‌شناختی مرتبط است را کاهش داد.

**کلیدواژه‌ها:** ترس از غذاهای جدید، ابعاد شخصیت، شیوه‌های والدگری، نوجوانان

\*نویسنده مسئول: رضا شابهنگ، دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## مقدمه

رژیم غذایی متعادل بر پایه‌ی دامنه متنوعی از غذاها، به‌عنوان رژیم غذایی معقول برای سلامتی به‌حساب می‌آید (۱). مصرف غذاهای متنوع برای رفع کافی نیازهای درشت‌مغذی‌ها<sup>۱</sup> و ریزمغذی‌ها<sup>۲</sup> الزامی است. کودکان با تنوع انتخاب غذای بیشتر، ظاهراً شاخص‌های کیفیت تغذیه‌ای بهتری دارند (۲). در همین رابطه، بسیاری از کودکان اجتناب از غذاهای جدید یعنی کنار زدن غذاهایی که برایشان ناآشنا است را نشان می‌دهند. این پدیده ترس از غذاهای جدید<sup>۳</sup> نام دارد (۳). ترس از غذاهای جدید به عنوان اجتناب و بی‌زاری از چشیدن غذای ناآشنا تعریف می‌شود (۴) و موجب تمایل به مصرف هر باره و دوباره غذاهای مشخص و محدود کردن چشیدن غذاهای دیگر می‌شود (۵). به نظر می‌رسد ترس از غذاهای جدید، نوعی مکانیسم محافظت‌کننده مرتبط با مسئله همه‌چیزخواری<sup>۴</sup> است (۶) و مکانیسم مراقبت‌کننده‌ای تلقی می‌شود که حیوانات و انسان‌ها را از مصرف چیزهایی که می‌توانند مضر باشند، منع می‌کند و درعین حال، آن‌ها را به انتخاب غذاهای آشنا و امن به‌جای غذاهای جدید و ناآشنا هدایت می‌کند (۷). با وجود نقش تطابقی ترس از غذاهای جدید، این مکانیسم می‌تواند مانع از مصرف غذاهای سالم متنوع شود (۳) و بسیاری از کشاکش‌ها همچون انتخاب‌های محدود غذایی، تنوع کم و کیفیت نامناسب رژیم غذایی و نقص در درشت‌مغذی‌ها و ریزمغذی‌ها را در پی دارد (۶). واردل و همکاران، مصرف کم سبزیجات، میوه‌ها و گوشت را در کودکان با ترس از غذاهای جدید ۲ تا ۶ ساله گزارش کردند (۸). گالووی، لی و بیرچ بیان کردند، دختران نئوفوبیک ۷ ساله کمتر از سایر کودکان، سبزیجات مصرف می‌کنند (۹). یونگ چو و سوک چو اظهار داشتند، گروه افراد با ترس از غذاهای جدید بالا نسبت به گروه افراد با ترس از غذاهای جدید پایین، تمایل کمتری برای

مصرف غذاهای غیرمغذی<sup>۵</sup> داشتند (۱۰). همچنین کاپولا و رادنباش مطرح کردند، افراد با ترس از غذاهای جدید کمبود پروتئین، چربی‌های تکثیرنشده<sup>۶</sup> و منیزیم را تجربه می‌کنند (۱۱)؛ بنابراین ترس از غذاهای جدید می‌تواند کودکان را معرض عادات غذایی بد و اختلالات تغذیه‌ای بسیاری قرار دهد.

یکی از متغیرهایی که بر ترس از غذاهای جدید کودکان و نوجوانان مؤثر واقع می‌شود، ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها است. بررسی عوامل روان‌شناختی همچون انگیزش، شخصیت و بازخورد نسبت به غذا و مواد غذایی نشان می‌دهد این عوامل ذاتاً بر رفتارهای تغذیه‌ای همچون ترس از غذاهای جدید تأثیر می‌گذارند (۵). ترس از غذاهای جدید به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی پایدار<sup>۷</sup> تلقی می‌شود که در بازخوردها و رفتارهای کلی بروز می‌یابد و با سایر ویژگی‌های شخصیتی پایدار مرتبط است (۱۲). مشخص‌ترین ویژگی شخصیتی که در رابطه با ترس از غذاهای جدید مطرح شده است، جستجوی حساسیت است (۱۳). افرادی که بیشتر در جستجوی حساسیت در طبیعت هستند، سطح پایین‌تری از ترس از غذاهای جدید را دارند (۹). آلی و همکاران (۱۴) همبستگی منفی ترس از غذاهای جدید با جستجوی حساسیت را گزارش دادند. اضطراب (۱۵)، گشادگی (۱۶) و روان‌رنجوری (۱۷) نیز از عوامل شخصیتی دیگر مرتبط با ترس از غذاهای جدید هستند. پلینر و همکاران گزارش دادند، نمونه‌هایی که در میزان اضطراب حالت<sup>۸</sup> بالاتر از میانگین بودند نسبت به آن‌هایی که از میانگین پایین‌تر بودند، غذاهای جدید کمتری امتحان می‌کردند. مطالعات نشان می‌دهند، داروهای ضد اضطراب همچون کلوردیازپوکسید از میزان ترس از غذاهای جدید موش‌ها کاست. در واقع میزان ترس از غذاهای جدید عمدتاً به‌عنوان ابزار سنجش رفتاری برای تأثیر داروهای بنزودیازپین - مانند<sup>۹</sup> استفاده می‌شود (۱۸).

6. Monounsaturated fats  
7. Trait  
8. State anxiety  
9. Benzodiazepine-like drugs

1. Macronutrients  
2. Micronutrients  
3. Food neophobia  
4. Omnivore's dilemma  
5. Non-traditional food

مهاری والدین با ترس از خوردن غذاهای جدید و مصرف میوه‌جات و سبزیجات در کودکان همبستگی دارد (۲۶). در مجموع، مطالعه پدیده ترس از غذاهای جدید به دلیل تأثیرات زیست‌شناختی و روان‌شناختی‌اش بسیار الزامی است که در این بین بررسی رابطه ترس از غذاهای جدید و متغیرهای مهمی همچون ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های والدگری بسیار حائز اهمیت است. پی بردن به این مسئله که آیا ارتباطی بین ترس از غذاهای جدید، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های والدگری کودکان وجود دارد یا خیر و همچنین فهم این نکته که آیا امکان پیش‌بینی ترس از غذاهای جدید از طریق بررسی ابعاد شخصیتی و سبک‌های والدگری کودکان و نوجوانان وجود دارد یا خیر، بسیار مهم تلقی می‌شود. بر همین اساس هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی ترس از غذاهای جدید از طریق بررسی ابعاد شخصیتی و سبک والدگری نوجوانان است تا با افزایش آگاهی در این حوزه، شرایط بهتری برای این دسته از کودکان و نوجوانان فراهم نمود.

## روش

**الف) طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان:** طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های هفتم تا نهم مدارس متوسطه دوره اول ناحیه دو شهر رشت در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ بود. نمونه‌ها ۲۰۰ دانش‌آموز پسر و ۲۰۰ دانش‌آموز دختر (۹۳ دانش‌آموز پایه هفتم، ۱۱۷ دانش‌آموز پایه هشتم، ۱۹۰ دانش‌آموز پایه نهم) بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها به پژوهش سن، مقطع تحصیلی (هفتم تا نهم) و رضایت دانش‌آموزان، رضایت والدین و مسئولین مدرسه بود و ملاک‌های خروج از تحقیق، وجود اختلالات جسمانی و روانی ناتوان‌کننده، عدم رضایت دانش‌آموزان، والدین و مسئولین مدرسه را شامل می‌شد.

الگوهای والدگری متغیر دیگری است که با ترس از غذاهای جدید کودکان و نوجوانان مرتبط است. مفهوم الگوهای والدگری، سنخ‌شناسی<sup>۱</sup> بازخوردها و رفتارها که مشخص می‌کنند والدین چگونه در دامنه‌ی والدگری با کودکان تعامل کنند، تعریف می‌شوند (۱۹). والدگری عمدتاً به چهار گونه که بر طبق ابعاد صمیمیت یا مسئولیت و خواستنی بودن یا میزان مهارگری که والدین نشان می‌دهند، متفاوت هستند. سبک والدگری مستبدانه به صورت صمیمیت و مسئولیت کم و انتظارات و مهارگری زیاد مشخص می‌شود. سبک والدگری مقتدرانه به صورت صمیمیت، مسئولیت و خواستنی بودن زیاد؛ و سبک والدگری آسان‌گیر به صورت صمیمیت زیاد و خواستنی بودن کم تعریف می‌شود. همچنین سبک والدگری بی‌توجه، صمیمیت و خواستنی بودن کم را شامل می‌شود (۲۰). به نظر می‌رسد سبک‌های والدگری مستبدانه و آسان‌گیر در جنبه‌های مختلف تحولی کمتر سازنده و تطابقی هستند (۱۹) که این موضوع می‌تواند در رابطه با ترجیحات غذایی کودکان نیز صدق کند. والدین نقشی بسیار مهمی در شکل‌دهی عادت‌ها و ترجیحات غذایی کودکان دارند (۲۱). شواهد بسیاری وجود دارند که والدگری بر خوراک کودکان و خوراک و وزن کودکان بر والدگری تأثیر می‌گذارند (۲۲). پژوهش طولی اسکینز و همکاران نشان داد، ترجیحات غذایی مادران و کودکان مرتبط هستند و ترجیحات غذایی مادران بر ترجیحات غذایی فرزندانشان تأثیر می‌گذارند (۲۳). فالسیگلیا و همکاران گزارش دادند، انتخاب‌های غذایی والدین بر پاسخ‌های فرزندان به غذاهای جدید تأثیر می‌گذارند (۲۴). همچنین کرمس و همکاران مطرح کردند، نوجوانان دارای والدین با سبک والدگری آسان‌گیر نسبت به نوجوانان دارای والدین با سبک مقتدرانه یا سبک بی‌اعتنا، از میوه‌جات بیشتری استفاده می‌کردند (۲۵). بلیست اظهار کرد، سبک والدگری مقتدرانه با مصرف بهتر سبزیجات و میوه‌جات مرتبط است (۲۰). همچنین واردل، کارنل و کوک مطرح کردند،

**ب) ابزار**

۱. مقیاس ترس از غذاهای جدید<sup>۱</sup>: این مقیاس توسط پلینر و هابدن در سال ۱۹۹۲ برای سنجش ترس از غذاهای جدید ساخته شده است که ۱۰ سؤال دارد. این مقیاس برحسب طیف لیکرت، یک مقیاس ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم را شامل می‌شود و از اعتبار بازآزمایی و ثبات درونی رضایت‌بخشی برخوردار است. سه مطالعه روایی رفتاری<sup>۲</sup> نشان داد نمرات مقیاس ترس از غذاهای جدید رفتار انتخاب غذا را در آزمایشگاه پیش‌بینی کردند. همچنین نمرات مقیاس ترس از غذاهای جدید با اضطراب صفت<sup>۳</sup>، سن، زیرمقیاس جستجوی تجربه در مقیاس جستجوی حساسیت، ترس از پدیده‌های جدید به صورت کلی، و آشنایی کلی و تجربه غذاهای ناآشنا مرتبط بود (۲۷). به طور کلی، گویه‌های پرسشنامه دو عامل را شامل می‌شوند. اولین عامل مربوط به علاقه/عدم علاقه برای امتحان کردن غذاهای جدید و محلی است و دومین عامل نگرانی کلی در مقابل بی‌توجهی نسبت به غذاهای ناشناخته را شامل می‌شود (۲۸). طی پژوهش پلینر و هابدن، ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاس ترس از غذاهای جدید در هر دو گروه نمونه (۱۳۵ و ۷۵ نمونه‌ای) ۰/۸۸ بود. همچنین نمرات در دامنه ۱۰ تا ۶۸ با میانگین ۳۴/۵۱ و انحراف معیار ۱۱/۸۶ بودند. اعتبار بازآزمایی مقیاس ترس از غذاهای جدید در سه گروه متفاوت اندازه‌گیری شد. برای دو گروه، میانگین درونی بین دو اجرای پرسشنامه ۳ هفته بود و ارتباط بازآزمایی ۰/۹۱ و ۰/۸۷ به دست آمد و برای گروه سوم با فاصله اجرای ۱۵ هفته، ۰/۸۲ به دست آمد (۲۷). فرناندز- رویز و همکاران برای نسخه اسپانیایی مقیاس ترس از غذاهای جدید، میانگین ۳۱/۷۴، انحراف معیار ۱۰/۹۸ و آلفای کرونباخ ۰/۸۲ را گزارش کردند. ارتباط بین مقیاس ترس از غذاهای جدید و تمایل به خوردن دو غذای ناآشنا نیز تأیید شد (۲۹). همچنین پرویاتو و بهرنس آلفای

کرونباخ مقیاس ترس از غذاهای جدید را در برزیلی‌ها ۰/۹۱ بیان کردند (۳۰).

۲. پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت کودکان<sup>۴</sup>: این پرسشنامه توسط باربارانلی، کاپرارا، راباسکا و پاستورلی در سال ۲۰۰۳ تهیه شده است. این پرسشنامه مقیاسی خودگزارش‌دهی برای ارزیابی پنج عامل بزرگ شخصیت بوده که برای کودکان ۸ سال و بالاتر به کار می‌رود. در اولین مطالعه، ویژگی‌های روان‌سجی مناسبی برای پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت کودکان در نمونه‌ای از کودکان مدارس ایتالیا به دست آمد. نتایج حاصل از تحلیل عوامل حاکی از وجود پنج عامل بزرگ بود که نشان‌دهنده تشابه آن با پنج عامل بزرگ است. همچنین داده‌های به دست آمده از خودگزارش‌دهی دانش‌آموزان با اطلاعات موجود از درجه‌بندی والدین و معلم‌ها از شخصیت آن‌ها، همگرا بود. نتایج مطالعات حاکی از وجود اعتبار مناسب برای پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت کودکان بوده است (۳۱). در پژوهشی که توسط موریس و همکاران صورت گرفت، آلفای کرونباخ به دست آمده برای توافق‌پذیری<sup>۵</sup>، ۰/۸۰؛ بی‌ثباتی هیجانی<sup>۶</sup>، ۰/۸۳؛ انرژی- برون‌گردی<sup>۷</sup>، ۰/۷۸؛ هوش- گشودگی<sup>۸</sup>، ۰/۷۱؛ و وجدان‌گرایی<sup>۹</sup>، ۰/۷۴ بود. همچنین موریس و همکاران روایی هم‌زمان آزمون را با همبستگی میان پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت کودکان و آزمون سه عاملی آیزنک مورد بررسی قرار دادند که همبستگی بین عوامل از ۰/۶۳ تا ۰/۷۱ به دست آمد (۳۲). همچنین در ایران، یوسفی و ملاعلی‌زاده با بررسی پرسشنامه شخصیتی آیزنک و پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت کودکان گزارش کردند روان‌رنجورخویی آیزنک با بی‌ثباتی هیجانی، برون‌گردی آیزنک با انرژی- برون‌گردی و هوش- گشودگی، و همچنین روان‌گسستگی آیزنک با با وجدان‌بودن و توافق‌پذیری

6. Emotional instability  
7. Energy-extraversion  
8. Intellect-openness  
9. Conscientiousness

1. Food neophobia scale (FNS)  
2. Behavioral validation study  
3. Trait anxiety  
4. Big five questionnaire for children (BFQ-C)  
5. Agreeableness

مدارس متوسطه دوره اول در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ (۲۵۰) دانش‌آموز پسر و ۲۵۰ دانش‌آموز دختر: ۹۳ دانش‌آموز پایه هفتم، ۱۱۷ دانش‌آموز پایه هشتم، ۱۹۰ دانش‌آموز پایه نهم) انتخاب شدند و ابزار مورد مطالعه در این پژوهش بر روی آنها اجرا شد. پس از اتمام نمونه‌گیری، داده‌های صد آزمودنی به دلیل ناقص بودن و عدم دقت در پاسخدهی از مطالعه حذف شدند. همچنین به منظور رعایت نکات اخلاقی پژوهش، ابتدا رضایت دانش‌آموزان، والدین و مسئولین جلب شد و این امکان به دانش‌آموزان داده شد تا در هر مرحله از انجام پژوهش که تمایل داشتند، انصراف دهند و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات حاصل از پژوهش به صورت گروهی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت و اطلاعات فردی‌شان محرمانه خواهد ماند. قبل از اجرای مطالعه، توضیحاتی در مورد موضوع، روش و اهداف پژوهش به دانش‌آموزان، والدین و مسئولین مدرسه داده شد. بذای تحلیل داده‌های به دست آمده نیز از روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شد.

### یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و متغیرهای پژوهش گزارش شده‌اند. با توجه به این جدول، ابعاد شخصیت توافق‌پذیری ( $I=۵۰۶$ )، روان‌جویی ( $I=۰/۱۳۹$ ) و وظیفه‌شناسی ( $I=۰/۳۷۲$ ) با ترس از غذاهای جدید رابطه مثبت معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ دارند. نتایج نیز بیانگر همبستگی منفی ابعاد شخصیت انرژی-برون‌گردی ( $I=-۰/۵۴۲$ ) و هوش-گشودگی ( $I=-۰/۴۷۲$ ) با ترس از غذاهای جدید در سطح ۰/۰۱ است. همچنین شیوه والدگری سهل‌گیرانه ( $I=۰/۲۲۷$ ) و سخت‌گیرانه ( $I=۰/۱۲۰$ ) با ترس از غذاهای جدید رابطه مثبت معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ دارند. در مقابل، شیوه والدگری مقتدرانه ( $I=-۰/۴۶۳$ ) با ترس از غذاهای جدید رابطه منفی معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ دارد.

همبستگی مثبت دارد. یوسفی و ملاعلیزاده ضریب آلفای کرونباخ را برای بی‌ثباتی هیجانی ۰/۷۴، با وجدان‌بودن ۰/۷۸، انرژی-برون‌گردی ۰/۶۵، توافق‌پذیری ۰/۷۲ و هوش-گشودگی ۰/۷۲ گزارش کردند. همچنین نتایج حاصل از پایایی بازآزمایی در نمونه ۳۰ نفری در فاصله دو هفته‌ای نشان داد که پایایی بازآزمایی بی‌ثباتی هیجانی ۰/۸۲، با وجدان‌بودن ۰/۶۱، انرژی-برون‌گردی ۰/۶۷، توافق‌پذیری ۰/۶۸ و هوش-گشودگی ۰/۵۸ بود (۳۳).

۳. پرسشنامه شیوه‌های والدگری: این ابزار با اقتباس از نظریه والدگری بامریند (۱۹۷۳) برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های والدگری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ گویه است که ۱۰ گویه آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ گویه به شیوه استبدادی، و ۱۰ گویه به شیوه اقتدار منطقی والدین در پرورش فرزند مربوط می‌شود و برحسب طیف لیکرت بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌شود و به ترتیب از ۴-۰ نمره گذاری شده است. با جمع نمرات، سه نمره مجزا در مورد هر یک از خرده‌مقیاس برای هر آزمودنی به دست می‌آید (۳۴). در پژوهش فراهینی و همکاران اعتبار پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۷۴ برای الگو استبدادی، ۰/۷۲ برای الگو اقتدار منطقی، و ۰/۷۶ برای الگو آزادگذار به دست آمد (۳۵). همچنین بی‌طرف، شعیری و حکیم‌جوادی ضرایب همسانی درونی پرسشنامه را در دانشجویان با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای شیوه آزادگذاری ۰/۶۹، شیوه مستبدانه ۰/۷۰، و شیوه اقتدار منطقی ۰/۷۹ گزارش کردند (۳۶). بوری نیز اعتبار آزادگذاری، استبداد و اقتدار پدر را به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۵ و ۰/۹۲ و اعتبار آزادگذاری، استبداد و اقتدار مادر را به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۸ و ۰/۷۸ بیان کرد (۳۷).

**ج) روش اجرا:** پس از هماهنگی‌ها و اخذ مجوز از سازمان آموزش و پرورش ناحیه ۲ رشت، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۵۰۰ دانش‌آموز پایه‌های هفتم، هشتم و نهم

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

شماره	متغیر	میانگین	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	توافق‌پذیری	۳۱/۴۷	۶/۰۰	۱								
۲	بی‌ثباتی هیجانی	۳۵/۷۰	۸/۹۶	۰/۱۸۴**	۱							
۳	انرژی-برون‌گردی	۳۲/۶۷	۹/۱۷	۰/۴۵۹**	۰/۳۲۸**	۱						
۴	هوش-گشودگی	۳۱/۷۷	۶/۷۳	۰/۶۵۱**	۰/۰۷۹	۰/۶۶۲**	۱					
۵	باوجدان‌بودن	۳۰/۸۲	۶/۷۴	۰/۵۸۷**	۰/۳۴۷**	۰/۲۶۷**	۰/۵۹۲**	۱				
۶	سهل‌گیرانه	۲۸/۴۸	۵/۰۳۸	۰/۱۵۲**	۰/۰۵۲	۰/۱۳۳**	۰/۰۹۰	۰/۱۸۶**	۱			
۷	سخت‌گیرانه	۲۸/۱۷	۶/۱۷	۰/۰۸۷	۰/۲۲۵**	۰/۲۷۲**	۰/۰۵۰	۰/۰۶۴	۰/۳۱۷**	۱		
۸	مقتدرانه	۳۹/۵۸	۷/۵۷	۰/۵۲۹**	۰/۲۹۲**	۰/۰۶۷	۰/۴۷۳**	۰/۵۵۹**	۰/۴۹۴**	۰/۴۰۴**	۱	
۹	ترس از غذاهای جدید	۳۰/۵۰	۷/۰۷	۰/۵۰۶**	۰/۱۳۹**	۰/۵۴۲**	۰/۴۷۲**	۰/۳۷۲**	۰/۲۲۷**	۰/۱۲۰**	۰/۴۶۳**	۱

گام ششم توافق‌پذیری، و در گام هفتم بی‌ثباتی هیجانی وارد معادله شده و معنی‌داری خود را طی هفت گام حفظ کردند و تنها متغیر وظیفه‌شناسی چون به سطح معنی‌داری نرسید از معادله حذف شد. در جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون گزارش شده‌اند.

برای پیش‌بینی ترس از غذاهای جدید نوجوانان از روی ابعاد شخصیت و شیوه‌های والدگری، از رگرسیون چندگانه به صورت گام به گام استفاده شد. که در گام اول متغیر انرژی-برون‌گردی، در گام دوم مقتدرانه، در گام سوم سخت‌گیرانه، در گام چهارم سهل‌گیرانه، در گام پنجم هوش-گشودگی، در

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون ترس از غذاهای جدید بر متغیرهای پیش‌بین

گام	شاخص‌ها مدل	مجموع مجذورات	df	میانگین مجموع مجذورات	F	P	R	R <sup>2</sup>	AR <sup>2</sup>
۱	رگرسیون	۵۸۵۷/۲۹	۱	۵۸۵۷/۲۹	۱۶۵/۳۹	۰/۰۰۱	۰/۵۴	۰/۲۹	۰/۲۹۲
	باقیمانده	۱۴۰۹۴/۷۰	۳۹۸	۳۵/۴۱					
۲	رگرسیون	۹۵۰۷/۲۱	۲	۴۷۵۳/۶۰	۱۸۰/۶۸	۰/۰۰۱	۰/۶۹	۰/۴۷	۰/۱۸۳
	باقیمانده	۱۰۴۴۴/۷۹	۳۹۷	۲۶/۳۰					
۳	رگرسیون	۱۰۱۳۳/۳۴	۳	۳۳۷۷/۷۸	۱۳۶/۲۳	۰/۰۰۱	۰/۷۱	۰/۵۰	۰/۰۳۱
	باقیمانده	۹۸۱۸/۶۵	۳۹۶	۲۴/۷۹					
۴	رگرسیون	۱۰۳۹۵/۸۴	۴	۲۵۹۸/۹۶	۱۰۷/۴۲	۰/۰۰۱	۰/۷۲	۰/۵۲	۰/۰۱۳
	باقیمانده	۹۵۵۶/۱۶	۳۹۵	۲۴/۱۹					
۵	رگرسیون	۱۰۵۶۰/۲۸	۵	۲۱۱۲/۰۵	۸۸/۶۰	۰/۰۰۱	۰/۷۲	۰/۵۲	۰/۰۰۸
	باقیمانده	۹۳۹۱/۷۱	۳۹۴	۲۳/۸۳					
۶	رگرسیون	۱۰۷۴۹/۰۳	۶	۱۷۹۱/۵۰	۷۶/۵۰	۰/۰۰۱	۰/۷۳	۰/۵۳	۰/۰۰۹
	باقیمانده	۹۲۰۲/۹۶	۳۹۳	۲۳/۴۱					
۷	رگرسیون	۱۰۸۸۶/۹۱	۷	۱۵۵۵/۲۷	۶۷/۲۵	۰/۰۰۱	۰/۷۳	۰/۵۴	۰/۰۰۷
	باقیمانده	۹۰۶۵/۰۸	۳۹۲	۲۳/۱۲					

گام ۱: متغیر پیش‌بین: انرژی-برون‌گردی.

گام ۲: متغیر پیش‌بین: انرژی-برون‌گردی، مقتدرانه.

گام ۳: متغیر پیش‌بین: انرژی-برون‌گردی، مقتدرانه، سخت‌گیرانه.

گام ۴: متغیر پیش‌بین: انرژی-برون‌گردی، مقتدرانه، سخت‌گیرانه، سهل‌گیرانه.

گام ۵: متغیر پیش‌بین: انرژی-برون‌گردی، مقتدرانه، سخت‌گیرانه، سهل‌گیرانه، هوش-گشودگی.

گام ۶: متغیر پیش‌بین: انرژی-برون‌گردی، مقتدرانه، سخت‌گیرانه، سهل‌گیرانه، هوش-گشودگی، توافق‌پذیری.

گام ۷: متغیر پیش‌بین: انرژی-برون‌گردی، مقتدرانه، سخت‌گیرانه، سهل‌گیرانه، هوش-گشودگی، توافق‌پذیری، بی‌ثباتی هیجانی.

بی‌ثباتی هیجانی کمتر از ۱ درصد از تغییرات ترس از غذاهای جدید را پیش‌بینی می‌کنند. میزان  $F$  مشاهده شده برای متغیرهای پیش‌بین در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که این ۷ متغیر به صورت معنی‌داری قادر به پیش‌بینی ترس از غذاهای جدید هستند. در جدول ۳، نیز ضرایب رگرسیون استاندارد نشده و استاندارد شده و بررسی معنی‌داری این ضرایب گزارش شده‌اند.

براساس نتایج مندرج در جدول ۲، می‌توان نتیجه گرفت در تبیین ترس از غذاهای جدید از روی متغیرهای پیش‌بین، مجموع متغیرهای پیش‌بین  $R^2=0/54$  از واریانس منجر ملاک را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند یعنی متغیرهای پیش‌بین ۵۴ درصد نمره ترس از غذاهای جدید را تبیین می‌کنند. انرژی- برون‌گردی ۲۹ درصد، مقتدرانه ۱۸ درصد، سخت‌گیرانه ۳ درصد، سهل‌گیرانه ۱ درصد، هوش-گشودگی، توافق‌پذیری و

جدول ۳: ضرایب رگرسیون گام به گام ترس از غذاهای جدید روی متغیرهای پیش‌بین

معناداری	t	B	خطای استاندارد b	B	شاخص‌ها متغیرها
۰/۰۰۱	۴۰/۰۷	-	۱/۱۰	۴۴/۱۳	عرض از مبدا
۰/۰۰۱	-۱۲/۸۶	-۰/۵۴	۰/۰۳	-۰/۴۱	انرژی- برون‌گردی
۰/۰۰۱	-۱۱/۷۷	-۰/۴۲	۰/۰۳	-۰/۴۰	مقتدرانه
۰/۰۰۱	۵/۰۲	۰/۲۰	۰/۰۴	۰/۲۳	سخت‌گیرانه
۰/۰۰۱	۳/۲۹	۰/۱۳	۰/۰۵	۰/۱۷	سهل‌گیرانه
۰/۰۰۹	-۲/۶۲	-۰/۱۴	۰/۰۶	-۰/۱۵	هوش-گشودگی
۰/۰۰۵	۲/۸۳	۰/۱۳	۰/۰۵	۰/۱۶	توافق‌پذیری
۰/۰۱۵	۲/۴۴	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۰۸	بی‌ثباتی هیجانی

مقتدرانه در دانش آموزان بالا باشد، میزان ترس از غذاهای جدید وی پایین خواهد بود و برعکس؛ اما مثبت بودن اثر ابعاد شخصیت توافق‌پذیری و بی‌ثباتی هیجانی و شیوه والدگری سهل‌گیرانه و سخت‌گیرانه نشانگر آن است هر چه قدر میزان توافق‌پذیری و بی‌ثباتی هیجانی و شیوه والدگری سهل‌گیرانه و سخت‌گیرانه در دانش‌آموزان بالا باشد، میزان ترس از غذاهای جدید نیز بالا خواهد بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین ترس از غذاهای جدید، ویژگی‌های شخصیتی و شیوه‌های انجام شد. همان‌طور که گفته شد، ترس از غذاهای جدید می‌تواند متاثر از بسیاری از عوامل باشد. شخصیت از جمله متغیرهایی است که با ترس از غذاهای جدید مرتبط است. پلینر و لوئون دریافتند که بین

با توجه به جدول ۳، اثر انرژی- برون‌گردی بر ترس از غذاهای جدید ( $\beta=0/54$ ) منفی و در سطح ۰/۰۱، اثر هوش-گشودگی بر ترس از غذاهای جدید ( $\beta=0/14$ ) منفی و در سطح ۰/۰۵، اثر توافق‌پذیری بر ترس از غذاهای جدید ( $\beta=0/13$ ) مثبت و در سطح ۰/۰۵، اثر بی‌ثباتی هیجانی بر ترس از غذاهای جدید ( $\beta=0/10$ ) مثبت و در سطح ۰/۰۵، معنادار است. همچنین نتایج معنی‌داری شیوه‌های والدگری مقتدرانه بر ترس از غذاهای جدید ( $\beta=0/54$ ) منفی و در سطح ۰/۰۱، اثر شیوه والدگری سخت‌گیرانه ترس از غذاهای جدید ( $\beta=0/20$ ) مثبت و در سطح ۰/۰۱، و نیز اثر شیوه والدگری سهل‌گیرانه بر ترس از غذاهای جدید ( $\beta=0/13$ ) مثبت و در سطح ۰/۰۱، معنی‌دار است. در واقع، ابعاد شخصیت انرژی- برون‌گردی، هوش-گشودگی و شیوه والدگری مقتدرانه با ترس از غذاهای جدید همبستگی منفی دارند که نشانگر آن است که هر چه قدر میزان انرژی- برون‌گردی، هوش-گشودگی و شیوه والدگری

ترس از غذاهای جدید با ابعاد مزاج<sup>۱</sup>، هیجان‌پذیری<sup>۲</sup>، خجالت<sup>۳</sup> و واکنش‌های منفی به غذاها همبستگی مثبت وجود دارد (۱۲). آلی و همکاران کمبود ویژگی جستجوی حساسیت را در افراد با ترس از غذاهای جدید نشان دادند (۱۴). در همین رابطه گالووی و همکاران مطرح کردند، دختران با ترس از غذاهای جدید، مضطرب‌تر بودند و مادران با ترس از غذاهای جدید داشتند (۹). نتایج پژوهش حاضر نیز ارتباط ابعاد شخصیتی و ترس از غذاهای جدید را نشان می‌دهد، بدین معنا که انرژی-برون‌گردی در سطح ۰/۰۱ و هوش-گشودگی، توافق‌پذیری و بی‌ثباتی هیجانی در سطح ۰/۰۵ می‌تواند به صورت معناداری ترس از غذاهای جدید را پیش‌بینی کنند. ابعاد شخصیتی از طریق تأثیراتی که بر ترجیحات و انتخاب می‌گذارند می‌توانند بر ترس از غذاهای جدید موثر واقع شوند. کودکانی که ترس از غذاهای جدید دارند، از برون‌گرایی و گشودگی کمتری برخوردار هستند؛ بدین معنا که جستجوی حساسیت به عنوان عاملی مهم در برون‌گردی و گشودگی که نقش مهمی را در ترس از غذاهای جدید ایفا کند (۱۳) در آن‌ها کمتر است. به بیانی دیگر، افراد با جستجوی حساسیت بیشتر، سطح پایین‌تری از ترس از غذاهای جدید را تجربه می‌کنند (۹). در همین رابطه، آلی و همکاران (۱۴) بیان می‌کنند بین ترس از غذاهای جدید و جستجوی حساسیت همبستگی منفی وجود دارد. در مقابل مشخصه‌های شخصیتی متضاد با برون‌گردی، گشودگی و جستجوی حساسیت پیش‌بینی‌کننده سطح بیشتر ترس از غذاهای جدید هستند. همچنین بی‌ثباتی هیجانی به عنوان بعد شخصیتی دیگر با برهم زدن ثبات هیجانی در مواجهه با غذاهای جدید، در ترس از غذاهای جدید تاثیر می‌گذارد. در همین رابطه، پلینر و همکاران کمتر امتحان کردن غذاهای جدید را در افرادی که میزان اضطراب حالت بالاتر از میانگین داشتند نسبت به آن‌هایی که از میانگین پایین‌تر برخوردار بودند، گزارش کردند؛ بنابراین شخصیت و ابعاد آن همچون

برون‌گردی، گشودگی، توافق‌پذیری و بی‌ثباتی هیجانی از طریق تأثیرگذاری بر ترجیحات و انتخاب‌های غذایی، می‌توانند عواملی موثر در واکنش به غذاهای جدید باشند و ترس از غذاهای جدید را پیش‌بینی کنند. بدین معنا که ابعاد شخصیتی برون‌گردی و گشودگی به صورت مثبت و ابعاد شخصیتی توافق‌پذیری و بی‌ثباتی هیجانی به صورت منفی قادر به پیش‌بینی غذاهای جدید در دانش‌آموزان هستند.

متغیر دیگری که در این پژوهش رابطه آن با ترس از غذاهای جدید نوجوانان بررسی شد، شیوه‌های والدگری بود که انتظار می‌رفت با ترس از غذاهای جدید کودکان مرتبط باشد. اسکینر و همکاران مطرح کردند، ترجیحات غذایی مادران با ترجیحات غذایی کودکان مرتبط است (۲۳). واردل و همکاران طی بررسی‌شان، ارتباط بین مهارگری والدین و مصرف میوه‌جات و سبزیجات کودکان را گزارش دادند، البته در رابطه با جنسیت تفاوت معناداری دیده نشد. مصرف میوه‌جات و سبزیجات توسط والدین و ترس از غذاهای جدید کودکان پیش‌بین‌قدرتمندی در مورد مصرف میوه‌جات و سبزیجات کودکان بودند و هر دو با مهارگری والدین ارتباط داشتند (۲۶). فالسیگلیا و همکاران، تأثیر انتخاب‌های غذایی والدین بر پاسخ‌های فرزندان به غذاهای جدید و همبستگی مثبت ترس از غذاهای جدید والدین و کودکان را گزارش دادند (۲۴). کرمس و همکاران طی پژوهش‌شان نشان دادند، تفاوت مشخصی بین رفتار خوردن میوه‌جات در نوجوانان والدین مقتدر، مستبد، آسان‌گیر و بی‌توجه وجود دارد. نوجوانان با والدین با شیوه والدگری آسان‌گیر نسبت به نوجوانان با والدین با شیوه مقتدرانه یا بی‌اعتنا، از میوه‌جات بیشتری استفاده می‌کردند. به طور کلی سخت‌گیری یا آسان‌گیری زیاد با مصرف کم میوه‌جات مرتبط است (۲۵). همچنین بلیست اظهار کرد، سبک والدگری مقتدرانه با مصرف بهتر سبزیجات و میوه‌جات مرتبط است (۲۰). نتایج پژوهش



شیوه های والدگری، کاهش ترس از غذاهای جدید نوجوانان که می‌تواند با پیامدهای منفی بسیاری ارتباط داشته باشد را موجب شد.

در انتها ذکر این نکته ضروری است که پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی بوده است. جامعه آماری این پژوهش، کودکان ۱۳ تا ۱۵ ساله پسر و دختر پایه‌های هفتم تا نهم مدارس متوسطه دوره اول ناحیه ۲ شهر رشت بودند به همین دلیل در تعمیم نتایج به سایر گروه‌های سنی، مقاطع تحصیلی باید جانب احتیاط رعایت شود. همچنین عواملی مزاحم همچون شرایط زیستی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دانش‌آموزان و والدینشان در مطالعه حاضر کنترل نشدند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌های دیگر با کنترل و بررسی متغیرهای ذکر شده انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود، ارتباط ترس از غذاهای جدید را با دیگر سازه‌های روان‌شناختی در سنین مختلف تحول و با حجم بیشتر شرکت‌کنندگان انجام شود.

**تشکر و قدردانی:** اجرای پژوهش حاضر به صورت مستقل و با مجوز رسمی اداره آموزش و پرورش ناحیه دو شهر رشت با شماره مجوز ۳۷۰۲/۱۴۰۲۳/۹۳۷/۲۳ به مورخ ۹۶/۰۶ انجام شده است. بدین وسیله از افراد نمونه شرکت‌کننده در این پژوهش و والدینشان، اداره آموزش و پرورش استان گیلان و مدارس ناحیه ۲ شهر رشت که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند، قدردانی می‌شود.

**تضاد منافع:** این پژوهش برای نویسندگان هیچگونه تضاد منافی به دنبال نداشته است و نتایج آن به صورت شفاف بیان شده است.

حاضر نیز بیانگر ارتباط سبک‌های والدگری با ترس از غذاهای جدید بود؛ به بیانی دیگر، سبک‌های والدگری مقتدرانه، سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه توانستند در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ ترس از غذاهای جدید را پیش‌بینی کنند. در واقع انواع سبک‌های والدگری که بر اساس ابعاد صمیمیت یا مسئولیت و خواستنی‌بودن یا میزان مهارگری که والدین مشخص می‌شوند (۲۰) در ترجیحات غذایی فرزندانشان تاثیرگذار هستند (۲۲) و (۲۱) و انتخاب‌های غذایی آن را تعیین می‌کنند (۲۴)؛ بدین معنا که انتظار می‌رود والدین مستبد با در نظر گرفتن محدودیت‌های غذایی و تاکید بر مجموعه غذایی خاصی، افزایش ترس از غذاهای جدید که خارج از غذاهای معمولشان است را موجب می‌شوند در مقابل سبک والدگری مقتدرانه با دادن حق انتخاب، به ترس کمتر فرزندان نسبت به غذاهای جدید منتج می‌شود. همچنین والدگری سهل‌گیرانه هم از طریق بی‌توجهی به تغذیه فرزندانشان می‌تواند با ترس از غذاهای جدید مرتبط باشد؛ بنابراین سبک‌های والدگری نیز از طریق موثر واقع شدن بر انتخاب‌ها و ترجیحات غذایی فرزندان، می‌توانند ترس یا عدم ترس از غذاهای جدید را در آن‌ها تعیین کنند.

در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، بین ترس از غذاهای جدید، ابعاد شخصیتی و شیوه های والدگری ارتباط وجود دارد. همچنین پیش‌بینی ترس از غذاهای جدید از طریق بررسی ابعاد شخصیتی و شیوه های والدگری امکانپذیر است. در همین راستا، با توجه به ارتباطات به دست آمده می‌توان با استفاده از راهبردها و مداخلاتی در رابطه با ابعاد شخصیت و

## References

1. Flight I, Leppard P, Cox DN. Food neophobia and associations with cultural diversity and socio-economic status amongst rural and urban Australian adolescents. *Appetite*. 2003; 41(1): 51-59. [\[link\]](#)
2. Pereira-da-Silva L, Rêgo C, Pietroboli A. The diet of preschool children in the Mediterranean countries of the European Union: A systematic review. *Int J Environ Res Public Health*. 2016; 13(6): 572. [\[link\]](#)
3. Tan CC, Holub CS. Maternal feeding practices associated with food neophobia. *Appetite*. 2012; 59(2): 483-487. [\[link\]](#)
4. Smith AD, Herle M, Fildes A, Cooke L, Steinsbeckk S, Llewellyn CH. Food fussiness and food neophobia share a common etiology in early childhood. *J Child Psychol Psychiatry*. 2017; 58(2): 189-196. [\[link\]](#)
5. Muhammad R, Aizuddin Ibrahim M, Ahmad R, Hanan F. Psychological factors on Food neophobia among the young Culinarian in Malaysia: Novel food preferences. *Procedia Soc Behav Sci*. 2016; 222: 358-366. [\[link\]](#)
6. Damsbo-Svendsen M, Born Frost, M. Development of novel tools to measure food neophobia in children. *Appetite*. 2017; 113: 255-263. [\[link\]](#)
7. Laureati M, Bergamaschi V, Pagliarini E. School-based intervention with children. Peer-modeling, reward and repeated exposure reduce food neophobia and increase liking of fruits and vegetables. *Appetite*. 2014; 83: 26-32. [\[link\]](#)
8. Wardle J, Herrera M-L, Cooke L, Gibson EL. Modifying children's food preferences: The effects of exposure and reward on acceptance of an unfamiliar vegetable. *Eur J Clin Nutr*. 2003; 57: 341-348. [\[link\]](#)
9. Galloway AT, Lee Y, Birch LL. Predictors and consequences of food neophobia and pickiness in young girls. *J Am Diet Assoc*. 2003; 103(6): 692-696. [\[link\]](#)
10. Choe JY, Cho Ms. Food neophobia and willingness to try non-traditional foods for Koreans. *Food Qual Prefer*. 2011; 22(7): 671-677. [\[link\]](#)
11. Capiola A, Raudenbush B. The effects of food neophobia and food neophilia on diet and metabolic processing. *Food Nutr Sci*. 2012; 3(10): 1397-1403. [\[link\]](#)
12. Pliner P, Loewen ER. Temperament and food neophobia in children and their mothers. *Appetite*. 1997; 28(3): 239-254. [\[link\]](#)
13. Alley TR, Potter KA. Food neophobia and sensation seeking. In: Preedy VR, Watson RR, Martin CR, Editors. *Handbook of behavior, food and nutrition*. New York, NY: Springer; 2011, pp: 707-724. [\[link\]](#)
14. Alley TR, Willet KA, Muth ER. Motion sickness history, food neophobia, and sensation seeking. *Percept Mot Skills*. 2006; 102(3): 683-690. [\[link\]](#)
15. Loewen R, Pliner P. Effects of prior exposure to palatable and unpalatable novel foods on children's willingness to taste other novel foods. *Appetite*. 1999; 32(3): 351-366. [\[link\]](#)
16. McCrae RR, Costa PT Jr, Terracciano A, Parker WD, Mills CJ, De Fruyt F, et al. Personality trait development from age 12 to age 18: Longitudinal, cross-sectional, and cross-cultural analyses. *J Pers Soc Psychol*. 2002; 83(6): 1456-1468. [\[link\]](#)
17. Steptoe A, Pollard TM, Wardle J. Development of a measure of the motives underlying the selection of food: The food choice questionnaire. *Appetite*. 1995; 25(3): 267-284. [\[link\]](#)
18. Pliner P, Eng A, Krishnan K. The effects of fear and hunger on food neophobia in humans. *Appetite*. 1995; 25(1): 77-87. [\[link\]](#)
19. Darling N, Steinberg L. Parenting style as context: An integrative model. *Psychol Bull*. 1993; 113(3): 487-496. [\[link\]](#)
20. Blissett J. Relationships between parenting styles, feeding styles and feeding practices and fruit and vegetable consumption in early childhood. *Appetite*. 2011; 57(3): 826-831. [\[link\]](#)
21. Koivisto UK, Sjöden PO. Food and general neophobia in Swedish families: Parent-child comparisons and relationships with serving specific foods. *Appetite*. 1996; 26(2): 107-118. [\[link\]](#)
22. Ventura AK, Birch LL. Does parenting affect children's eating and weight status? *Int J Behav Nutr Phys Act*. 2008; 5: 1-12. [\[link\]](#)
23. Skinner JD, Carruth BR, Bounds W, Ziegler PJ. Children's food preferences: A longitudinal analysis. *J Am Diet Assoc*. 2002; 102(11): 1638-1647. [\[link\]](#)

24. Falciglia G, Pabst S, Couch S, Goody C. Impact of parental food choices on child food neophobia. *Child Health Care*. 2004; 33(3): 217-225. [\[Link\]](#)
25. Kremers SPJ, Brug J, De Vries H, Engels RCME. Parenting styles and adolescent fruit consumption. *Appetite*. 2003; 41(1): 43-50. [\[link\]](#)
26. Wardle J, Carnell S, Cooke L. Parental control over feeding and children's fruit and vegetable intake: How are they related? *J Am Diet Assoc*. 2005; 105(2): 227-232. [\[link\]](#)
27. Pliner P, Hobden K. Development of a scale to measure the trait of food neophobia in humans. *Appetite*. 1992; 19(2): 105-120. [\[link\]](#)
28. Tuorila H, Lähteenmäki L, Pohjalainen L, Lotti L. Food neophobia among the Finns and related responses to familiar and unfamiliar foods. *Food Qual Prefer*. 2001; 12(1): 29-37. [\[link\]](#)
29. Fernandez-Ruiz V, Claret A, Chaya C. Testing a Spanish-version of food neophobia scale. *Food Qual Prefer*. 2013; 28(1): 222-225. [\[link\]](#)
30. Ribeiro de Andrade Previato HD, Behrens JH. Translation and validation of the food neophobia scale (FNS) to the Brazilian Portuguese. *Nutr Hosp*. 2015; 32(2): 925-930. [\[link\]](#)
31. Barbaranelli C, Caprara GV, Rabasca A, Pastorelli, C. A questionnaire for measuring the Big Five in late childhood. *Pers Individ Dif*. 2003; 34(4): 645-664. [\[link\]](#)
32. Muris P, Meesters C, Diederer R. Psychometric properties of the big five questionnaire for children (BFQ-C) in a Dutch sample of young adolescents. *Pers Individ Dif*. 2005; 38(8): 1757-1769. [\[link\]](#)
33. Yousefi R, Molla Alizade M. The adaptation and standardization of Big Five Personality questionnaire for children (BFQ-C) in high school students. *Journal of New Thoughts on Education*. 2015; 10(3): 123-138. [Persian]. [\[link\]](#)
34. Minaei A, Nikzad S. The factor structure and validity of Persian version of the Baumrind parenting style inventory. *Journal of Family Research*. 2017; 13(1): 91-108. [Persian]. [\[link\]](#)
35. Farahini N, Afroz GA, Rasoolzadeh TK. The relationship between parenting styles, shyness and creativity in the gifted. *Journal of School Psychology*. 2014; 2(6-24/4): 137-153. [Persian]. [\[link\]](#)
36. Bitaraf S, Shaeeri MR, Hakim Javadi M. Social phobia, parenting styles and perfectionism. *Developmental Psychology*. 2010; 7(25): 75-82. [Persian]. [\[link\]](#)
37. Buri JR. Parental authority questionnaire. *J Pers Assess*. 1991; 57(1): 110-119. [\[link\]](#)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

## Prediction of the Food Neophobia by Dimensions of Personality and Parenting Styles

Farzin Bagheri Sheykhangafshe<sup>1</sup>, Reza Shabahang<sup>\*2</sup>, Abbas Abolghasemi<sup>3</sup>

1. M.A. Student in General Psychology, Faculty of Literature and Humanity Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran
2. M.A. Student in General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
3. Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanity Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran

Received: January 2, 2018

Accepted: June 9, 2018

### Abstract

**Background and Purpose:** Food neophobia defines as avoidance and aversion of novel foods that can have harmful consequences for children. In this regard, the present study aimed to predict the food neophobia by dimensions of personality and parenting styles.

**Method:** The research design was descriptive and correlational. The population of the study consisted of boy and girl students of the secondary schools of the first district of Rasht city in the academic year of 2017-2018. A sample of 400 boy and girl students was selected by convenient sampling method. The data were collected through *food neophobia scale* (Pliner & Hobden, 1992), *big five questionnaire for children* (Barbaranelli et al, 2005) and *parenting style inventory* (Baumrind, 1973). At the end, the data were analyzed by multiple regression stepwise.

**Results:** The results showed that personality dimensions of energy-extraversion ( $p < 0/05$ ), intellect-openness, agreeableness and emotional instability ( $p < 0/01$ ) could predict food neophobia. Also, the results indicated that it was possible to predict the food neophobia through authoritative, authoritarian and permissive parenting styles ( $p < 0/01$ ).

**Conclusion:** In sum, the results show the relationship and the possibility of predicting the food neophobia by examining personality dimensions and parenting styles. According to the findings of this study, by improving the extroversion personality and developing an authoritative parenting style can reduce the food neophobia that is associated with many physical and psychological disorders.

**Keywords:** Food neophobia, personality dimensions, parenting styles, adolescents

---

**Citation:** Bagheri Sheykhangafshe F, Shabahang R, Abolghasemi A. Prediction of the food neophobia by dimensions of personality and parenting styles. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2018; 5(2): 25-35.

---

**\*Corresponding author:** Reza Shabahang, M.A. Student in General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: Reza.shabahang@ut.ac.ir

Tel: (+98) 021-61611